



اشاره:

چندی پیش نامه‌ای از یکی از خوانندگان موعود که در یکی از روستاهای دورافتاده کشورمان زندگی می‌کند، دریافت کردیم. در این نامه به شدت از فقر معنوی و فرهنگی روستای یاد شده و فقدان راهنما و مشاوره که بتواند پاسخ‌گوی پرسش‌ها و شبهه‌های اعتقادی و اخلاقی جوانان باشد، گله و از ما خواسته شده بود که او را راهنمایی کنیم. این نامه بهانه‌ای برای نوشتن این یادداشت و یادآوری یکی از معضلات مهم فرهنگی کشورمان شد.

این روزها، همه - حتی مسئولان دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی، تبلیغی نظام که علی‌القاعده خود باید پاسخ‌گوی وضع موجود باشند - از افزایش شبهه‌ها و پرسش‌های اعتقادی، رواج ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری، گسترش فرقه‌های انحرافی و... می‌نالند و به دنبال چاره‌ای برای حل این معضلات فرهنگی می‌گردند، بی‌آنکه اندک توجهی به ریشه‌ها، زمینه‌ها و عوامل ایجاد و گسترش این معضلات داشته باشند.

چنان‌که می‌دانید، از دهه دوم پیروزی انقلاب اسلامی که مدیران و مسئولان سیاسی کشور ما، به ضرورت داشتن برنامه درازمدت برای اداره کشور پی بردند و تدوین برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی را آغاز کردند، همواره رسم بر این بوده است که با نگاهی کاملاً کمیّت‌گرا، بخشی از برنامه را به توسعه شاخص‌های فرهنگی کشور اختصاص دهند و مثلاً پیش‌بینی کنند که تا پنج سال آینده تعداد صدلی‌های سینما، تعداد کتابخانه‌های عمومی، تعداد فرهنگسراها، تعداد روزنامه‌ها و تعداد کتاب‌های انتشار یافته در کشور از فلان تعداد به فلان تعداد افزایش یابد، ولی آنچه معمولاً نادیده گرفته می‌شود،

توسعه و تعمیق باور و فرهنگ دینی جامعه و توجه به نیازهای دینی مردم ما در گوشه گوشه ایران اسلامی است. مگر می‌شود در یک نظام اسلامی به تحقق اهدافی چون ارتقای فرهنگ دینی جامعه، تعمیق باورها و اعتقادات مردم، افزایش میزان پایبندی مردم به احکام و مناسک دینی، توسعه اخلاق و ارزش‌های اسلامی و... دل بست بی‌آنکه برای آنها برنامه‌ریزی کرد و لوازم و امکانات تحقق آنها را فراهم آورد.

آیا می‌توان توقع داشت که با جریان رو به تزاید فرقه‌گرایی و رواج ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری در جامعه به خوبی مقابله کرد بدون آنکه جوانان این سرزمین در هر زمان که اراده کنند بتوانند به عالمان و مرشدان وارسته دسترسی داشته باشند.

از قرن‌ها پیش تاکنون مردم ما در سرتاسر این سرزمین پهناور، چه در شهرها و چه در روستاها، نیازهای اعتقادی، اخلاقی و فقهی خود را با مراجعه به مساجد و بهره‌گیری از روحانیان برآورده می‌ساختند و این گروه نقش عمده‌ای در گسترش و باورهای دینی و توسعه فضائل اخلاقی در جامعه داشتند.

اگر سری به شهرهای کوچک و بزرگ و روستاهای دور و نزدیکی که مردم آنها عمیقاً مذهبی هستند و پایبندی

نصب شود، از کسانی که با روم و ترک و خزر در جهاندن، هزار هزار مرتبه بالاتر است؛ زیرا او از باورهای شیعیان و دوستداران ما دفاع می‌کند و آن مجاهدان را از بدن‌های ایشان.»

دبیر تحریریه

پی‌نوشت:

۱. طبرسی، احمد بن علی بن ابی‌طالب، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۳.



لطفاً کمی جدی‌تر بخوانید!

امام خمینی (ره) فرمود: «سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد.» اولین عمل اجرایی حضرت رسول (ص) احداث مسجد بود که با تدبیر و درایت، اداره تمام مراحل جامعه را از مسجد و در مسجد آغاز نمود که ثمره شاخص مسجد ایجاد وحدت و همدلی مطیع خدا بودن و بهره‌مندی از قرآن و عترت می‌باشد و این ویژگی‌ها در پیروزی انقلاب نقش مهم و ارزشمندی را داشتند.

از بیان گوهر بار حضرت امام (ره) است که فرمود: «مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسب‌ترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. مساجد را پر کنید.» عنایت خاص حضرت امام به رونق بخشیدن مسجد و حفظ حریم مسجد از ابعاد بارز فکری آن بزرگوار بوده است که ابراز داشتند: «مسجد مسلمین در زمان رسول خدا (ص) مرکز سیاست اسلام بوده است. مسجدها را خالی نکنید، تکلیف است امروز. حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به آن بسته است. مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است. پایگاهی که هم محل مبارزه با شیطان درون و نفس اماره است و هم شیطان برون «استکبار جهانی» حضرت امام (ره) ابراز می‌داشتند محراب یعنی مکان قرب، مکان جنگ، هم جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت. مکان قربی که خون حضرت علی (ع) در محراب آن جاری شد. محرابی که رنگ عدالت در آن نمایان است. در آن راه راست را از خداوند می‌طلبند.

حضرت امام از مسجد صدای اسلام را به تمام دنیا رساند. حضرت امام (ره) فرمود: «در صدر اسلام مسائل سیاسی در مسجد به وسیله آنهایی که امام جماعت و جمعه بودند حل و فصل می‌شد و نقشه‌های جنگ در آنجا کشیده می‌شد. پیامبر (ص) زمانی که به مسافرت می‌رفتند از مسجد آغاز سفر می‌نمودند و زمانی هم که برمی‌گشتند به مسجد می‌رفتند. در مسجد برای رسیدگی به مسائل جامعه جلسه می‌گذاشتند و گفت‌وگو می‌کردند و تصمیم می‌گرفتند. در زمان رسول خدا (ص) مسجد مرکز تعلیم و تربیت در علوم مختلف بود و محل بحث امور اعتقادی و حکومتی یا رسیدگی به امور مستضعفین.»

برای حفظ بقای انقلاب اسلامی از نسخه‌های حکیمانه حضرت امام باید بهره گرفت که فرمود: «من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد.»

حضرت امام فرمود: «ای ملت! مسجدها را حفظ کنید؛ ای روشنفکران! مسجدها را حفظ کنید، روشنفکر غربی نباشید؛ ای حقوقدان‌ها! مسجدها را حفظ کنید.» از تکرار لفظ مسجد از زبان حضرت امام (ره) اهمیت پایگاه مسجد در جامعه اسلامی ادراک می‌شود. مسجد نماد فرهنگ دینی است اگر این مسجد تقویت شود تعاون و همدلی در بهبود زندگی رونق خواهد گرفت که دشمن از مسجدی که در آن تنها عبادت شود هراس و وحشت ندارد بلکه خوشحال می‌شود و کمک هم می‌کند و تشویق هم می‌نماید. دشمن از تفکر اندیشه مسجد در وحشت است. مسجدی که مردم در آن اجتماع می‌کردند و در مسائل عبادی و سیاسی اجتماعی حضور دارند و با شعار و اعلان دفاع خویش از ارزش‌های دینی دشمن را مأیوس و ناکام می‌کنند و جوانان را مجذوب دین الهی در میدان عمل می‌نمایند. آن هم با پیروی از امام. امامی که فرمود: «نهضت را از راه مساجد - که دژهای محکم اسلامند - زنده نگه دارید و با شعارهای اسلامی نهضت را پیش برید.» مسجد خانه امن هر شهر و دیار است و مسجد نماد هویت دینی مردم است.

خوبی به احکام و آموزه‌های دین اسلام دارند، بزیند به راحتی در خواهید یافت که در این شهر یا روستا از گذشته‌های دور عالمان وارسته‌های وجود داشته‌اند که پاسدار دین و دیانت مردم بوده‌اند و مجالس وعظ و خطابه آنها پناهگاه پیران و جوانان جویای معارف دینی بوده است. با کمال تأسف باید گفت در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به این موضوع مهم توجه نشد و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی ضرورت تأمین روحانیان عالم، وارسته و مردمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم ساکن در شهرها و روستاهای فراوان این سرزمین، نادیده گرفته شد. در شهرسازی‌های نوین نیز هیچ توجهی به ساخت مساجد نشد - در حالی که در همین شهرهای تازه‌ساز فرهنگسراها از جایگاه خوبی برخوردارند - و گاه شاهدیم که در شهرک‌هایی با صدها نفر جمعیت حتی یک مسجد هم وجود ندارد. در بسیاری از روستاهای ایران هیچ خبری از روحانی مستقر نیست و هیچ جا و مکانی برای استقرار مبلغان دینی پیش‌بینی نشده است. در تعداد زیادی از مساجد کشور نماز جماعت در سه وعده صبحگاهی، ظهرگاهی و شامگاهی اقامه نمی‌شود و حتی تعداد قابل توجهی از مساجد شهرها هم روحانی فعال و دائم ندارند. در چنین شرایطی طبیعی است که دشمن با بهره‌گیری از فضای خالی و درنوردیدن سنگرهای بدون سنگربان، خطوط مقدم دفاعی ما را پشت سر می‌نهد و تا دل سرزمین اعتقادات و باورهای ما پیش می‌آید و هر روز از ما قربانی می‌گیرد. قربانیانی که نه شهید بلکه تلف‌شدگان عرصه نبرد سهمگین فرهنگی و اعتقادی‌اند.

البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که تنها وجود روحانی و مسجد برای پاسداشت دین و اعتقادات مردم و مقابله با تهاجم بیگانگان به مرزهای اعتقادی شیعیان کافی نیست، بلکه روحانی آنگاه می‌تواند به مسئولیت‌های خود عمل کند که واجد ویژگی‌های مورد انتظار از یک عالم دینی باشد؛ یعنی هم اهل علم و اطلاع باشد و هم اهل عمل، هم دانا باشد و هم پارسا، هم با خدا باشد و هم مردم‌دار، هم دین‌دار باشد و هم دنیاگریز و در یک کلمه مانند خاتم پیامبران (ص) چونان پزشکی دلسوز خود را وقف سعادت و سلامتی مردم کند و از هیچ چیز و هیچ کس جز خدای متعال پروا نداشته باشد.

در پایان این یادداشت توجه شما را به سخنی ارزشمند از امام جعفر صادق (ع) جلب می‌کنیم، سخنی که در آن، جایگاه برجسته علما و روحانیان در پاسداری از حریم دین و دیانت به خوبی به تصویر کشیده شده است. با امید به اینکه مسئولان فرهنگی کشور هر چه زودتر برای حل مشکلات یاد شده چاره‌جویی کنند و جوانان این سرزمین را در برابر امواج سهمگین فتنه‌ها بی‌پناه و پشتیبان نگه ندارند.

«علمای شیعه در مرزهایی که شیطان و ایادی او در پشت آنها کمین کرده‌اند، پاسداری می‌دهند و آنها را از اینکه بر شیعیان ناتوان هجوم برند، باز می‌دارند و اجازه نمی‌دهند که شیطان و پیروان او و دشمنان اهل بیت بر ضعفای شیعه تسلط یابند. پس هر کس از شیعیان ما که برای این موضوع